



۲۰۱۳/۰۷/۳۱

ملیحه نایاب

## خوف از عذاب روح «وجدان» باید داشت، ویا عذاب قبر..!

در آغاز ظهور طالبان مردم آنها را افغانان اصیل کشور تصور می کردند، که برای خدمت و نجات مردم بی دفاع آمده اند، اما بعداً دریافتند که آنها تحریکی هستند که به کمک بیگانه ها وارد افغانستان شده اهداف مشخص خود را دارند. چون آنچه به مردم عملاً به اجرا گذاشته بودند با اصل شریعت اسلام " دین و سیاست" متفاوت بوده، یعنی خود شناخت درست از دین خدا و سیاست امروزی جهان نداشتند، ورنه از ترس عذاب روح "وجدان" ظالم نگشته، به مورچه هم ضرر نمی رسانیدند. خداوند تعالی خطاب به بندگان می فرماید:

{ هرگز به ظلم نزدیک نشوید و با ظالمان یاری نکنید که جزای شما بیشتر از آنها می باشد. چون آنها را جرأت بیشتر می بخشید تا ظلم کنند. }

دقتر ملل متحد از گروه های درگیر جنگ خواست تا به احترام "ماه رمضان" دست از جنگ بردارند. اما از یک کشور اسلامی همچو تقاضای صورت نگرفت و این جانپان بیرحم از ماه رمضان هم شرم نداشتند.

می گویند افراطیت در دین مانند گیاه و علف خود رو است که با اصل دین رابطه ندارد. در کشور های اسلامی که مردم بیسواد و از دین بیخبر مانده است، قرآن را قرائت می کنند ولی با معانی آن بیگانه هستند که به همین مناسبت قلوب بعضی مردم سخت و ذهن شان تاریک مانده است. خداوند تعالی می فرماید:

" از اهل کتاب کسانی هستند که با شنیدن آیات ما، اشک از چشمان شان جاری شده و به سجده می افتند."

این کدام آیاتیست که در قلب اهل کتاب تأثیر گذاشته، ولیکن مسلمانان که آنرا بارها قرائت می نمایند، اما به قلب تاریک آنها اثر نگذاشته به اعمال ضد اسلامی و خشونت دست می زنند، حتی در خطبه نماز در همین "ماه رمضان" خود را انفجار داده، به ده ها انسان بیگناه و چندین جلد قرآن تلف شده است، و از طرف علمای دینی و رهبران مذهبی صدای اعتراض بلند نمی شود. همین آیات قرآن قلب سنگ و سخت مشرکین و کفار را که به معنی آن رسیدند، مانند موم نرم ساخته و به اسلام رو آوردند.

انسان وقتیکه به درد و مصیبتی گرفتار و از هرطرف ناامید می شود، بسوی حق تعالی رجوع کرده و به کلام الهی " قرآن" پناه می برد و خود را اصلاح می نمایند. مثالش یکی هم "مالکم ایکس" می باشد که چگونه مسلمان شده است. و در همین ماه رحمت و قرآن خوانی کسانی هم هستند که پلان های شوم و ظالمانه را که با سرنوشت ملیون ها انسان مظلوم ارتباط می گیرد برنامه ریزی می کنند، اگر به عذاب وجدان در دنیا و عذاب روح بعد از مرگ را به خاطر می داشتند، هرگز به چنین اعمال شوم و ظالمانه دست نمی زدند.

در صدر اسلام مرد قصی القلبی که در عمل دزدی، کشتار و حمله بر کاروان های مردم بسیار مشهور بود، روزی با کشتن یک زن در جمع مسافری که طفلش در کنار جسد مادر زار می گریست، قلب و وجدانش را چنان عذاب کرد که همه هستی را یکباره رها کرده بسوی نامعلومی روان شد، تا بجایی پناه برده ازین عذاب "وجدان" خود را نجات بخشد، در راه با مردی برخورد و از وی تقاضای کمک نمود. از پیغمبر اسلام که صفاتش را شنیده بود یاد آور شد، تا نزدش برده و از گناه هانش بخشش بخواهد. مردم در هر زمانی با درک از حقانیت اسلام بدون کدام جبر مشتاقانه اسلام را پذیرفتند. آمده است اینکه:

در کشور سایبریا که پای اسلام به آنجا نرسیده بود، اما مردم از صفات اسلام شنیده بودند که از بهترین و عالی ترین دین هاست، و لیکن به نسبت یک آیه که آنرا با شرایط زندگی روزمره خود موافق نیافتند، از پذیرفتن آن خود داری نمودند، آن آیه در مورد شراب بود که آنها نسبت سرد بودن هوای مناطق شمال بدون آن زندگی کرده نمی توانستند و آنرا بزرگترین صد راه خود یافتند.

اسلام که دین نجات دهنده بشریت است، پس مشکل در کجا و در چیست که مسلمانان بیشتر از دیگر مردم جهان بیچاره و خوار هستند، به جز اینکه بگوئیم، قدرت (مذهبی و سیاسی) بعد از خلفای راشدین بیشتر به دست ظالمین بوده است و نه صادقین که تا به امروز جریان دارد و بایست علیه ظالمین جهاد صورت میگرفت.

کشور های سرمایه دار عربی هرچند زنان شان با همه ثروتی که در اختیار دارند مجبور به کار کردن خارج از منزل نیستند، زنان غیر مسلمان را از کشور های فقیر برای کار استخدام می کنند که این خود نوع ظلم در جهت عدم رشد اجتماعی زنان در این سرزمین ها می باشد، این سیستم در همه کشورهای اسلامی قابل تطبیق نیست، زیرا زنان کشور های فقیر اسلامی برای امرار زندگی به کسب و کار خارج از منزل ضرورت حیاتی داشته و نباید با تقلید ازین کشورها مانع کار کردن زنان مسلمان شده محیط زندگی اجتماعی آنها را با وضع قیودات، دشوار و ناراحت کننده سازد. متأسفانه بخاطر حادثات ضد اخلاقی که رخ

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

میدهد، بجای آنکه علما مردم را متوجه مسؤولیت های اجتماعی (ایمانی و اخلاقی) شان ساخته، تا جلوگیری از وقوع جرائم و برای ایجاد محیط سالم با همدیگر همکاری نمایند، اما فتوی داده می شود تا دکان های فروشات لوازم لوکس مسدود شده و زنان اجازه خارج شدن از منزل را بدون محرم شرعی ندارند که سبب فساد در اجتماع می گردد. واقعاً انسان تا خود را نشناسد، خداوند را شناخته نمی تواند.

موسی (ع) که به سرزمین مدین رسید، دختران شعیب (ع) را در جمع مردان برای آب دادن گوسفندان دید، یعنی دختران دور از چشم فامیل و بدون "محرم شرعی" دلیرانه مانند یک مرد به چرانیدن و آب دادن گوسفندان مشغول می شدند. در آن زمان مردان از ترس خدا و عذاب وجدان که از پدران و پیش گامان دین با خود داشتند، به ناموس دیگران به چشم ناپاک نظر نکرده، چون در حقیقت به ناموس خود احترام داشتند، فساد اخلاق در آن سرزمین ها مانند امروز که در جوامع اسلامی به اوج خود رسیده است وجود نداشت.

امروز با موجودیت تعداد کثیر و روز افزون علمای دینی در کشور اعمال ضد اخلاقی فحشاء و "بچه بازی" به مشاهده می رسد. اما علما کدام فتوی صادر نکرده، و بیشتر فشار را در عقب نگهداشتن حضور فعال زنان در اجتماع می آورند. کشورهای غربی "غیر اسلامی" بی عدالتی ها را در حق زنان مظلوم مسلمان مشاهده کرده، خود را پیش گام و مدافع حقوق آنها معرفی می دارند. خداوند تعالی می فرماید:

" یا پیغمبر من ترا به دین سهل و آسان معیوث ساخته ام که در آن سختی نیست." این دین سهل و آسان را که به آن اشاره شده است در کدام کشور اسلامی می توان سراغ کرد؟ آیا در کشور اسلامی افغانستان که صرف بنام است، یا حکومت های اسلامی استبدادی چون سعودی و امارات عربی، و یا هم کشورهای اسلامی ظالم آخذی ایران، کدام یک با "عدالت و مساوات" و خواست مردم برابر است؟ در کشور مصر حکومت اسلامی "اخوان المسلمین" نظر به رأی اکثریت مردم بوجود آمد، چون بطرف "افراطیت" روان بود مورد پذیرش قرار نگرفت، یعنی هیچ نظام بالای ملت جبراً قبولانده شده نمی تواند.

آیا گاهی در فکر مردم این سوال خطور کرده باشد که اگر در زمان حکومت مجاهدین، لیدر حزب اسلامی "حکمتیار" برتری خواهی را کنار گذاشته همان چوکی صدارت را قبول می کرد و در کنار دیگر برادران مجاهد خود صادقانه برای آبادانی و پیشرفت کشور تا دوره بعدی انتخابات، صبر و قناعت می داشت، از حالت که بوجود آمد به مراتب بهتر نبود، تا مردم در یک نظام اسلامی معتدل به زندگی راحت شان ادامه میدادند.

آیا در آنصورت باز هم طالبان و بعد پای عساکر ناتو در داخل افغانستان کشانیده می شد و یا خیر؟ تا جاییکه انتخابات آینده پیش بینی می گردد کسی در قصه بیچارگی، آوارگی ملت مظلوم و یا دفاع از دین مبین اسلام و سنت پیغمبر نبوده، بلکه بخاطر رسیدن به قدرت و منافع خود، حتی اگر به وخامت اوضاع هم بیانجامد دست بردار نیستند، که این یک جفای بزرگ در حق ملت بوده، خداوند تعالی جفاکاران را دوست نمی داشته باشد.

مردم نیز باید مسؤولیت خود را در برابر کاندیدان در نظر داشته تا غیر عادلانه رأی شانرا به اشخاصی که طرف اعتماد نباشد ندهند و به یک شخص با ایمان، فاضل و دلسوز که عوایش را از راه حلال بدست آورده باشد، اگر در گروه اقلیت قومی و بیطرف هم باشد رأی بدهند، تا کشور از بدبختی نجات پیدا کند. گرچه گویند:

{هیچ فرد کاملاً بیطرف در دنیا وجود ندارد، زیرا هر فرد بیطرف باز هم در ذات خود طرفی دارد.}

مرحوم شهید میوند وال نه تنها که به دارایی هایش از مال بیت المال اضافه نکرده بود، بلکه یک خانه اش را به دسترس مرکز علمی "کتابخانه" قرار داد، تا بعد از وفاتش مورد استفاده عامه قرار گیرد. امروز کشور ما به همچو اشخاص صادق و با ایمان بیشتر نیازمند است.

در سده اول اسلام با آنکه امتیاز گیری و برتری خواهی مانند امروز وجود داشته، چنانکه تاریخ اسلام به شهادت خلیفه سوم و چهارم گواهی می دهد، و تا به امروز مسلمانان در دود این آتش امتیاز گیری و برتری خواهی "تبعیض" گیر مانده اند. تاریخ نویسان قضایای تاریخی آن زمان را (ضد و نقیض) تحریر کرده اند. آمده است اینکه:

عثمان "رض" و علی "رض" گذشته از آنکه هر دو مردان خدا، متقی و پرهیزگار بودند، اما تفاوت در دانش سیاسی میان آنها چنان بود که حضرت عثمان نسبت به حضرت علی در سیاست درجه و دانش بیشتر داشته، که به همین نسبت نظر به رأی آزاد مردم در انتخابات پیروز گردید و خلیفه سوم شناخته شد، با آنکه نماینده خاص حضرت علی در جمع رأی دهندگان آزاد مردمی حضور داشت که از بهترین نمونه انتخابات نوع دیموکراسی در تاریخ اسلام که تقلب در آن دیده نمی شد بشمار می رود. ولیکن طرفداران حضرت علی نماینده خاص را به باد انتقاد گرفته متهم ساختند که دعوت و پذیرایی های گرم و غذا های رنگارنگ (پلوهای چرب و انواع کباب ها) پیش چشمش را گرفته بود، و حضرت علی که علمیت او نسبت به حضرت عثمان از ( زمین تا آسمان) بوده که باید به خلافت می رسید. این امتیاز به حضرت علی بخاطری داده می شد که از قوم "قریش" بوده و اختلافات در برابر حضرت عثمان از همان دوره آغاز می شود.

سؤال پیدا می شود که چگونه نماینده خاص حضرت علی با آنکه همواره در کنار آنمرد بزرگوار بوده، آیا چنان ضعیف النفس و بی ایمان می شود که غذا های رنگارنگ صدای وجدانش را خاموش و حق را نادیده گرفته رأی خود را به طرف مقابل بدهد.

د پایو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

البته در کشور های اسلامی رشوت و غذا های چرب " دسترخوان " در میان کاندید ها زیاد مروج می باشد، که بوسیله آن " حق و عقل " یعنی رأی مردم را با یک شکم نان می خردند. مردم باید از انتخاب خلیفه سوم درس گرفته تا در جمع ظالمین قرار ننگرفته در عقب شخص خدا ترس و خدا شناس باشند.

امروز اسلام بصورت " افراطی " یعنی با تنگ نظری ها در جریان است که بالای مردم جبراً قبولانده می شود، مطالب به فهم و بینش خود از " قرآن و حدیث " به مردم ارائه داشته، آنرا حق و نظر دیگران را باطل می شمارند. طور مثال: در مورد " عذاب قبر " که آیا در قرآن آمده است و یا خیر؟

از عالم دین که مهمان در برنامه دینی تلویزون آریانا بود سؤال گردید. در جواب اشاره به سوره ( ۴۰ آیه ۴۶ ) نموده، و آنرا قرائت کرد که: خداوند می فرماید:

" من فرعون را صبح و شام تا به روز قیامت در عذاب قرار می دهم " این آیت را به عذاب قبر تعبیر نموده، که برای شنوندگان قناعت بخش نبود. مرگ فرعون برای همگان معلوم است که به دریا غرق شده، یعنی در زیر زمین دفن نگردیده است، تا عذاب قبر را ببیند و از جانب دیگر قرار گذارش ها جسد فرعون در مصر کنار دریا پیدا شده است. همینطور سؤالات بیشمار است که علمای دین جوابات قناعت بخش ارائه کرده نمی توانند.

آیا روح بعد از اینکه از جسم خارج شد، دوباره در زیر خاک به میت برگشته سؤال و جواب و بغل کشی قبر صورت میگیرد؟ اگر کدام ثبوت و دلیل عقلانی در مورد عذاب قبر نیست، پس چرا در ذهن مردم به شکل افسانوی و دور از واقعیت باقی بماند، و باید علما جوابات قانع کننده در مورد عذاب قبر ارائه دارند.

( البته قبل از آنکه نفس از گلو خارج می شود و چشم و زبان از کار می ماند، ملایک مقرر با سرعت " سؤال و جواب " می نمایند، یعنی اعمال دنیایی متوفی را از نظرش می گزرانند تا بدانند که کدام در بروی ( نیکان و بدان ) باز می شود، میت در موقع جان به حق تسلیم کردن طعم یا شربت مرگ را می چشد، چه در میان آتش، یا در آب و یا هم به مرگ طبیعی و بستر خواب و کدام حوادث دیگر. بعد که نفس از حلقوم خارج شد بار دیگر در روز قیامت دوباره به جسم بر می گردد، که حساب آنروز جدا خواهد بود. اگر انسان غافل از عذاب مرگ نمی بود، هرگز به ظلم نزدیک نمی شد. )

در شهر مدینه منوره نمایشگاه آثار فرهنگی و ثقافتی دوران حیات پیغمبر (ص) را با تصویری از " شق القمر " که از معجزات پیغمبر اسلام معرفی و به نمایش گذاشته شده بود. اگر صرف به همین نمایشگاه قناعت شود، که از طرف عرب ها تنظیم شده است درست است، پس بایست مانند دیگر پیغمبران در قرآن به آن اشاره شده باشد. مانند معجزات موسی (ع) که با همه اتفاقات آن در قرآن آمده است، همچنان حضرت سلیمان و بعضی دیگر پیغمبران که خود پیغمبران در آن نقش نداشتند مگر به امر خداوند آنرا اجرا می نمودند.

آیا در قرآن به پیغمبر(ص) اشاره شده است که دست خود را بسوی مهتاب بلند کرده و آنگاه مهتاب دو شق شده باشد؟ در حالیکه به حضرت موسی دستور داده شد تا دست خود را به زیر بغل فرو برده و دوباره بیرون آورد و روشنی که پیدا شد همه در قرآن واضح آمده است.

خداوند تعالی در قرآن از وقوع قیامت در چندین آیت یاد آور شده که یکی از علامات آن اینست که روشنی آفتاب خیره شده و رنگ زیتونی را بخود می گیرد علمای ساینس امروز آنرا نیز تصدیق می نمایند، همچنان شق القمر از علامات قیامت بوده که حتماً واقع شدنی است و برای منکرین قیامت هوشدار می باشد تا ایمان بیآورند.

" درزی " که در وسط مهتاب مشاهده شده است، دلیل بر آنست که در روز قیامت از همان قسمت بدو حصه جدا خواهد شد. اما کسانی که این درز را نسبت می دهند به گذشته باید دلایل قناعت کننده برای رفع این اشتباه ارائه دارند... در تفسیر آمده است. (اشارت بیست به آن قصه که کافران از حضرت پیامبر (ص) معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت یکی بر کوه ابوقبیس و دیگر بر کوه یقبعان " والله اعلم " )

در هر دور از زمانه حتی امروز مردمانی هستند که در برابر وقوع قیامت و تغییرات " نابودی " که بوجود می آید شک دارند، یعنی به خداوند و پیغمبر ایمان دارند، اما به روز قیامت ایمان ندارند.

خداوند تعالی به رسولش می فرماید: مشرکین از تو معجزه طلب می کنند برایشان بگو که خداوند به همه پیغمبرانش معجزه نداده است، و در جای دیگر می فرماید: بگو یا پیغمبر که همین " قرآن " معجزه من است.

ازینکه قرآن معجزه است، شک در آن نیست چون در هر یک از سوره هایش رازها و اسرار " معجزه " بوده که بزرگ ترین معجزه برای پیغمبر اسلام همین " قرآن " می باشد. جذبه و نور قرآن در قلوب تابش یعنی اثر کرده که از لذت و شوق آیات قرآن چشمان شان به اشک آمده باشد.

پس اگر عیسی (ع) با معجزه اش مرده را زنده ساخت، تا مردم ایمان بیآورند، ولیکن خداوند قرآن را به محمد (ص) معجزه داد که با نور آن عالم بشریت را تابناک ساخته حیات ببخشد، تا از جهل و بدبختی نجات پیدا کنند. افسوس که ازین معجزه الهی کمتر کسان مستفید می شوند. قرآن برای هدایت مردم جاودانیست، چنانکه درین مدت هزار و چهارصد سال به همان حال خود " دست ناخورده " باقی مانده است، وگر نه انسان های ظالم مانند دیگر کتب آسمانی آیاتش را بیجا می ساختند که این کتاب جامع و مکمل

"قرآن" را خداوند خودش محافظت می کند. که بایست بصورت درست مورد استفاده قرار گیرد. یعنی تفسیر و تعبیر نادرست از قرآن و سنت پیغمبر صدمه به جهان اسلام می رساند.

( گفته شد: که پیغمبر اسلام از سواد کافی بهره مند نبود و باید کورس سواد آموزی میگرفت.) یکی از حکمت های بزرگ در معجزه قرآن همین بیسواد "ناخوان" بودن پیغمبر بوده است و در غیر آن مردم به آیات قرآن شک پیدا می کردند که پیغمبر نظر به علم و دانشی که دارد یعنی "سواد" را آموخته بعضی آیات را خودش برای فریب مردم درست میکند.

( از حضرت عائشه (رض) روایت شده که گفت: روزی پدرم نزد آمد و از من خواست تا یادداشت ها "احادیث" پیغمبر خدا را که نزد امانت گذاشته شده بود، برای شان بیاورم. بعد همه آنها به آتش زده از بین برد وقتی علت را پرسیدم در جوابم گفت: نمی خواهم که بعد از رحلت پیغمبر بجای یک کتاب "قرآن" دو کتاب یعنی "قرآن و حدیث" در دسترس مردم قرار گیرد و مردم بطرف حدیث رفته قرآن را رها سازند.)

احادیث حقیقی و صحیح را یاران و دوستان نزدیک پیغمبر نزد شان یادداشت و حفظ داشتند که بعد ها در کتب بنام احادیث "صحیح" به دسترس مردم قرار گرفت و چون برای خود آسان یافتند از قرآن فاصله گرفتند، هر چند در مورد تعداد و راویان احادیث میان مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد.

در کشور ترکیه یکتعداد علمای اصلاح طلب برای بوجود آوردن اصلاحات در امور دینی دست بکار شدند، نخست برای جدا نمودن احادیث "صحیح، جعلی" و شناخت درست از آن که با آیات قرآن برابر باشد تلاش نمودند، تا اسلام را از خرافات پرستی نجات دهند. پیغمبر خدا فرمودنده است:

"خداوند تعالی مرا به دین آسان مبعوث ساخته است که در آن هیچ مشکلی نیست ولیکن امت من با پیروی از هوای نفس همه چیز را بر خود دشوار ساخته است."

زمانی که عیسویت "کلیساها" در اروپا فشار های مذهبی را بالای مردم زیاد ساخته بود، صبر مردم به آخر رسیده و علیه کلیساها که از اعتبار شان کاسته شده بود قیام کردند، در نتیجه سبب شد تا دین از سیاست جدا گردد. مردم راه گم گشته اند که کدام راه حق است. پس تا زمانیکه خشونت و ظلم از دامن دین دور ساخته نشود، رسیدن به یک نظام دلخواه مردمی به هرنامی که باشد امکان پذیر نخواهد بود.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالپولو مخکې په څير و لولئ